

بازخوانی حکایت‌های تلخ و شیرین نفس‌گیر در رابطه با انسداد جاده شوسه قدیم از سال ۱۳۴۳ جهانگیر عباسی

مدیریت درودیان در سال ۱۳۵۴ که کارگاه آن جنب روستای امامزاده ابوالحسن بود آغاز شد. حدود ۷ کیلومتر جاده و ساخت یک پل بزرگ به طول یکصد و بیست متر تا سطح آسفالت و چندین متر حفاری محل تونل کار جاده‌سازی در طول محور خوب بود. اگر ساخت جاده ادامه داشت و تونل عظیم در کوه سکندری حفاری شده بود، به‌طور یقین فاصله طول محور از دشت‌ارژن تا کازرون خیلی کم‌تر از جاده جدید فعلی بود.

مسئله مهم که قابل تحقیق و تفکر است این است که مردم کازرون نه تقاضایی و نه اعتراضی از سال ۴۳ تا ۱۳۷۳ برای کشیدن جاده از گردنه کمارج به‌طرف روستای بناف و محل تونل عظیم آن به طول ۲۵۰۰ متر نداشته‌اند.

با توجه به اینکه جاده را تا سطح آسفالت ساخته بودند و حدود سیصد متر آن هم حفاری و حدود یکصد و پنجاه‌متر تا سقف بتون و سنگ‌کاری کرده بودند این مسیر حکایت خاص خود را داشت که آینده روشن خواهد شد. روی‌هم‌رفته اعتراض و شکایت درخواست مردم کازرون فقط برای ساخت مسیر جاده کازرون-دشت‌ارژن بود.

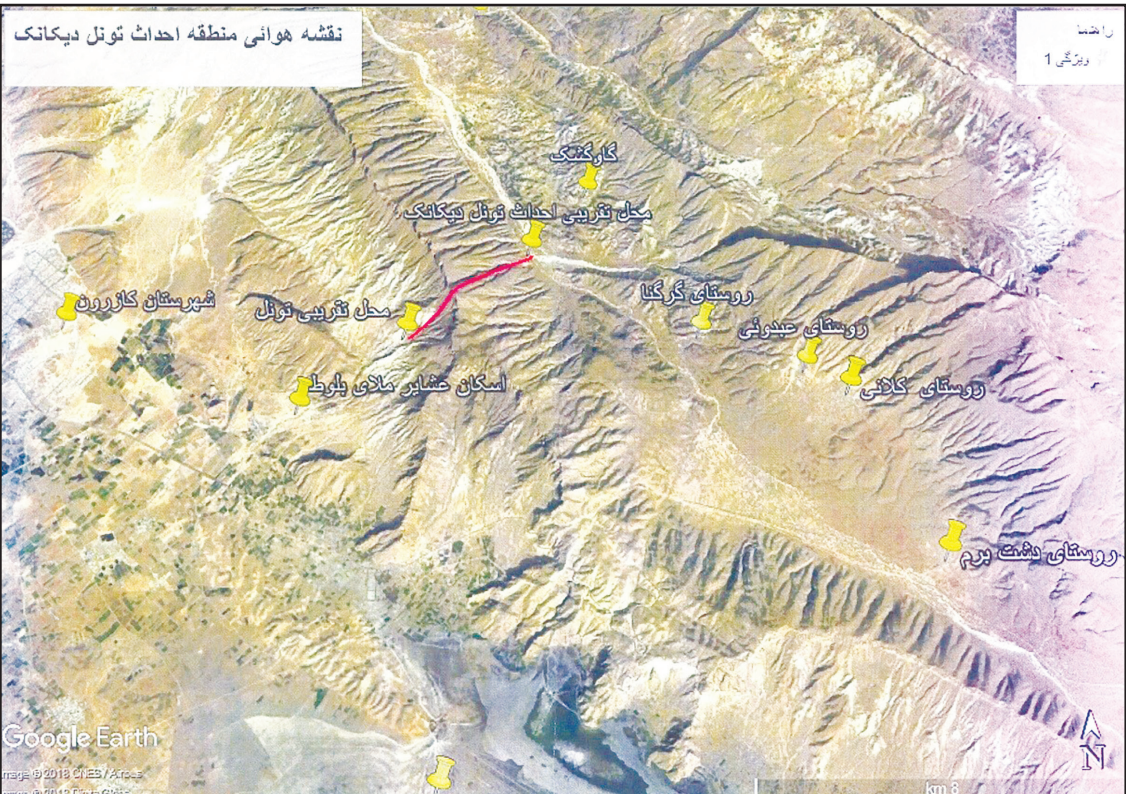
به‌رحال با اوج گرفتن نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) علیه رژیم پهلوی و طاغوتیان زمان سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ کلیه شرکت‌های پیمانکار پروژه‌های در دست ساخت را تعطیل کردند.

خیلی از ماشین‌آلات خود را فروختند و عده‌ای هم وسایل و امکانات خود را به جاهای امن جابه‌جا کردند و شرکت‌های وابسته به رژیم اموال آن‌ها به‌وسیله نااهلان به تاراج رفت.

مسئله مهم و قابل‌توجه این است که اگر نهضت اسلامی چند سال بعد به پیروزی می‌رسید به‌طور حتم و یقین بنا به درخواست مردم و پیگیری طباطبایی با حفاری باقیمانده تونل عظیم در قلب کوه سکندری در بین کوه دوان و کوه محمود بیگی با باقیمانده جاده از خروجی تونل در دست احداث تا خود کازرون ساخته می‌شد.

از طرفی کل منطقه جنگلی محدوده روستاهای امامزاده، گاوکشک گرگنا، تل نادر، عبدویی، کلانگی، دشت برم، کتل‌های پیرزن و دختر، تنگ زرد، تنگ روئین یا پرک، وارک، بورنجان، دردانه کوه جروق، کوه دیشک تا محدوده دشت‌ارژن با تخلیه و کوچ دادن اهالی روستاهای یاد شده تا ابد دست‌نخورده زیبا، خوب، بکر و سالم باقی می‌ماند.

ادامه دارد...



درخواست‌های مردم و معتمدین شهر و پیگیری طباطبایی نماینده کازرون در مجلس شورای ملی سابق از کلیه مسئولین خواستار ساختن جاده مناسب شدند. پس از کسب موافقت با استفاده از عکس‌های هوایی و مطالعات زیاد مسیریابی و مشخص کردن محل مناسب و تکومتر یا نقطه نشان شاخص مسیر بعد هم نقشه‌برداری زمینی طولی و عرضی برای اجرای کار برداشت نمودند و یک تونل بزرگ در دامنه کوه سکندری بین کوه دوان و کوه محمود بیگی در مسیر جاده انتخابی به طرف شمال شرقی کازرون و غرب روستای احمدآباد و شمال ملای بلوط (آب دره) محل چادرهای عشایر قرمزی علامت‌گذاری کردند. سپس عملیات اجرایی ساخت جاده از خروجی تنگ ابوالحیات به طرف روستای دیکانک و در قله روستای گاوکشک دامنه کوه سکندری محل حفاری تونل بزرگ توسط شرکت شوسه به

بازخوانی حکایت‌های تلخ و شیرین نفس‌گیر در رابطه با انسداد جاده شوسه قدیم از سال ۱۳۴۳ در دوران حکومت پهلوی سرانجام بنا به درخواست مردم در جمهوری اسلامی ضمن موافقت ساختن جاده جدید کازرون، دشت برم، بورنجان، گلوخواجه‌ای تا دشت‌ارژن از تاریخ ۷۳/۳/۲۰ تا ۷۳/۳/۱۸/۱۸ محقق گردید.

یادآوری شرح مجدد مطالب جاده جدید کازرون تا دشت‌ارژن با به‌پای ماجرای ساخت جاده جدید از ابتدا تا افتتاح از دشت سبز تا آسفالت سیاه آنچه با ساختن جاده کازرون-دشت‌ارژن گذشت. ۱. آغاز حکایت تغییر دادن مسیر جاده قدیم کازرون در سال ۴۳-۴۲ که مسئله مهم محیط‌زیست بین‌المللی از محدوده تالاب دشت‌ارژن و کوه‌های سرحد جروق، بورنجان، دردانه، وارک، کتل پیرزن، اطراف روستاهای دشت برم دریاچه پریشان و روستاهای مجاور آن به شدت مطرح شد.

قرار بود کل منطقه بخش علیا کوهمره نودان کازرون خالی از سکنه بشری نمایند؛ تا اینکه عوارض طبیعی، جغرافیایی، جنگل‌ها، بوته‌ها و گیاهان دست‌نخورده و بکر تا نسل‌های بعد باقی بماند. اجرای این طرح اگر عملی می‌شد بسیار عالی بود؛ زیرا در نقشه طبیعی منطقه دشت‌ارژن کتل پیرزن، کوه دیشک، سرحد جروق، محدوده مُسقان (کوهمره سرخی)، کوه برفی، محدوده باغات عبدویی، گرگناگی و تنگ ابوالحیات تا محدوده روستاهای دوسیران (دوست ایران) و سُمنغان تا کلاه‌سیاه نورآباد، کهگیلویه و بویراحمد و محدوده کتل دختر کوه محمود بیگی، کوه سکندری، کوه دوان محدوده دریاچه پریشان، کوه بناف و کوه دادین کلا در کمربند سبز مروراید نیمه‌راه خلیج همیشه فارس است.

در این راستا هم‌فکری برای تغییر دادن مسیر جاده کازرون-دشت‌ارژن و انسداد کتل‌های هوشنگ و پُژنگ پهلوانان دوره ساسانی یا کتل‌های دختر و پیرزن فعلی نمودند تا دربارہ ایاب و ذهاب خطه کازرون بوشهر و خوزستان وقفه‌ای رخ ندهد.

در نتیجه در اواخر سال ۱۳۴۲ پس از کارشناسی لازمه با استفاده از هواپیما عکس‌های هوایی جدید از دشت‌ارژن گردنه ملای نَرُو محدوده تنگ هانا، تنگ ابوالحیات، تنگ پاپون اطراف دوسیران، موردک کوه نودان منطقه غار شاپور کوه سکندری و کوه محمود بیگی تا کتل دختر و پل آبیگینه گرفته شد.

پس از تهیه عکس‌های هوایی یکی دو مسیر کارشناسی و طراحی شد بعد از مطالعه کلی تکومتر یا نقطه نشان مسیر مناسب توسط مهندسین مشاور پیاده شد و مسیر جاده انتخابی از طریق تنگ ابوالحیات به طرف چنارشیجان (قائمیه فعلی) سید حسین کازرون

تهیه و تنظیم مطلب: امیر خسرو شجاعی، کارشناس فرهنگی و پژوهشی بنیاد شهید کازرون

یادی از سردار شهید سید محمدجواد دیده‌ور به مناسبت روز جهاد؛

آوردند نگاه کردم دیدم فرمانده دیده‌ور است. تقریباً تمام لباس خونی است و علی‌رغم این که وضع و حالش بسیار خوب بود و آرام‌آرام از ته گلو ذکر می‌کند و اتمه را نام می‌برد؛ ولی مرتب میان این کلمات نام یا مهدی یا مهدی(عج) را زمزمه می‌کند. بعد از لحظاتی او را از اتاق خارج کردند با مشاهده وضعش گفتم خادم شهید می‌شوم، ولی سردار شهید دیده‌ور نه چرا که حالش خوب بود.

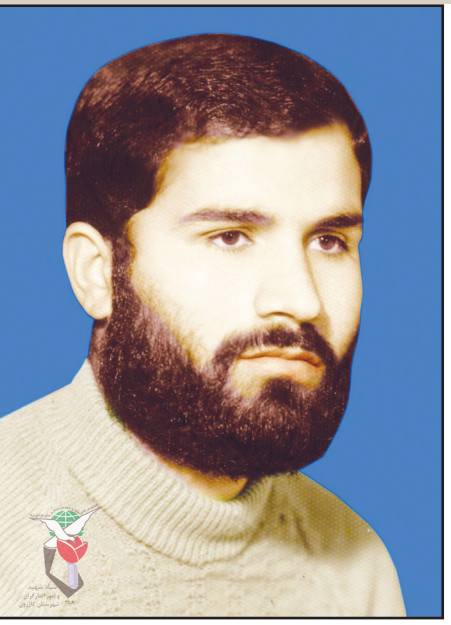
برادرش نیز تعریف می‌کند که رسیدم به اهواز در بیمارستان سراغ فرمانده دیده‌ور را گرفتم گفتند: او را بردند اتاق عمل در همین حال دکتری از اتاق خارج شد و گفت: فرمانده آنها نیز شهید شد، به خدا تابه‌حال کسی چون او را ندیدم چرا که هنگام شهادت لیخندی شیرین بر لب داشت به‌گونه‌ای که انگار دنیا را به او داده باشند.

فرازهایی از وصیت‌نامه
توصیه به جهاد با نفس:
از من درونی خویش و خواست‌های دل واقعاً دوری نمایید که پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله فرمود: جهاد اکبر جهاد با نفس است که ان‌شاءالله همه در این جهاد پیروز شویم به یاری او که پرهیز قادر است.

هدف انسان از دید شهید:
مال و زندگی این دنیا باید وسیله باشد جهت رسیدن به کمال و هدف اصلی که همان لقاءالله است و رضایت او و چه زیبا است که انسان غرق در راه الله به ساحل نجات که همان لقاءالله است برسد.
توصیه به نماز اول وقت و توجه به مساجد:
سعی کنید نمازها را به‌ویژه نماز صبح اول وقت و در مساجد بخوانیم که در حدیثی است که خداوند می‌فرماید: خانه‌های من در زمین مساجد است و دوست دارم بندگانه با وضو در این خانه‌ها مرا ملاقات نمایند. سعی نمایید مساجد را پر کنید که انقلاب از آنجاها شروع شد و دشمن از تجمع در هم‌جا به‌ویژه در مساجد می‌ترسد.

آمده، که در روستایی کوچک اما مخروبه قرار داشت، آمدند و از آنجا ضمن آخرین حلاوت طلیبدن‌ها سردار شهید دیده‌ور با ذکر نام یا مهدی(عج) دستور حمله را صادر کرد و عملیات شروع شد. در اولین خاک‌ریز سردار شهید که از همه جلوتر از خاک‌ریز رسیده بود. روی دو پا به‌صورت نیمه نشسته مشغول تیراندازی شد در همین حال برادرش سید محمدتقی در کنارش و درحالی که کمک آربی‌جی زن بود تفنگ ۳اش گبر می‌کند. مشغول می‌شود تا تفنگش را درست کند خود، می‌گوید: یک‌لحظه به نظرم آمد با توجه به طرز قرار گرفتن برادرم سردار شهید دیده‌ور امکان دارد تیر بخورد. خواستم بگویم داداش مواظب باش که یک‌دفعه شنیدم: آخ و از پشت‌به‌پشت خاک‌ریز غلغله و وقتی نگاهش کردم دیدم با دودستش زمین را می‌کند و این جاک‌ی از دردش بود. چرا که تیر درست زیر گلویش خورده بود آمدم به طرفش با دست و به‌زحمت اشاره کرد و با صدایی که از ته گلو می‌آمد گفت: برو عملیات را ادامه بده و من علی‌رغم میل باطنی‌ام و تنها به خاطر اینکه قبل از عملیات نیز تأکید کرده بود به سمت عراقی‌ها برگشتم و مشغول عملیات شدم.

وقتی برگشتم و عملیات هم تمام شده بود دیدیم که سردار شهید کلاه آهنی خود را به روی صورت گذاشته تا بچه‌ها او را نشناسند و موجب تضعیف روحیه آنها نشود و با خون صورت خود را سرخ نموده بود تا احیاناً رنگ زرد چهره‌اش که به دلیل خونریزی شدید بود را کسی مشاهده ننماید.
برادر داودی از آن روز می‌گوید: به دلیل اینکه در آن عملیات مجروح شده بودم روی تخت بیمارستان اهواز دراز کشیده بودم. دیدم دو نفر را از مقابل اتاقم حرکت دادند. اولی را که شهید محمود دهقان بود را شناختم، چرا که چنیه‌اش را همه می‌شناختند؛ ولی دومی را ندیدم. محسن داودی می‌گوید: بعد از لحظاتی نفر دوم را به اتاق



نحوه شهادت:
دو تیر مستقیم، یکی زیر گلو و دیگری زیر بغل دست البته هنگام شهادت مجروح نیز بود و هر دوپایش را اگر نزدیک آهن‌ریا می‌گرفت جذب آن می‌شد؛ ولی هرگز گله یا شکایتی ننمود.

خاطره‌ای از شهید دیده‌ور
چند روز قبل از عملیات، سردار سرلشکر محسن رضایی به سوسنگام آمد و با راهنمایی سردار شهید دیده‌ور منطقه عملیاتی را مشاهده کرد. ضمن پرداختن به جزئیات به مشاهده کانال‌هایی می‌روند که از یک‌طرف به مواضع خودی و از سمت دیگر تا زیر خاک‌ریز عراقی‌ها کشیده شده بود و به گواه تمام هم‌زمانش یکی‌شعب قبل از عملیات در زیر خاک‌ریز عراقی‌ها سنگر بهداری زده می‌شود. یکی از هم‌زمانش می‌گوید: به‌قدری آرام‌آرام و با سرنیزه کار می‌کردیم که خدا می‌داند. به‌راحتی صدای عادی صحبت عراقی‌ها به گوشمان می‌رسید، روی کانال را با خار و خاشاک پوشانیدیم تا لو نرود... به‌رحال شب عملیات شهید برای اطلاعات عملیات با خود سردار چند نوبت به کار اطلاعات می‌پردازند و جزءبه‌جزء حمله را بازبینی می‌کنند. لازم به ذکر است که تمام عملیات و حتی پل متحرک ولی بسیار ساده مواصلاتی که با چند صد بشکه و به‌وسیله بند و سیم به‌هم‌بافته شده بود و روی رودخانه قرار گرفته بود، همچنین تمام کارهای اطلاعات عملیات و حتی ایجاد و ساخت تمام آن کانال‌ها با طراحی شهید سردار سید محمدجواد دیده‌ور به اتمام رسید و خود نیز در تمام این مدت دوش‌به‌دوش آنان به ایفای نقش پرداخت و به گواه هم‌زمانش هرگز حس نمی‌شد که وی فرمانده است.

صبح زود بعد از نماز صبح که به امامت خود او اقامه شد. او با خطبه‌ای کوتاه از نهج‌البلاغه حمله را شروع کرده؛ البته ابتدا بسیار آرام تا بعد از خاک‌ریز آخر یک‌شعب اسلام

شهر ثبت‌نام کرد. وی با رفتن به مدرسه تمام‌وقت خویش را صرف کسب علم و دانش نمود و تا اخذ مدرک دیپلم در رشته ریاضی و فیزیک ادامه تحصیل داد.
در دوران جوانی مبارزات سیاسی خود را علیه رژیم منحوس پهلوی آغاز کرد، پخش اعلامیه‌های امام و شرکت در تظاهرات از جمله اقدامات او در طول سال‌های مبارزه با شاه بود. دیده‌ور پس از پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۰ به جمع سنگرسازان بی‌سنگر در جهاد سازندگی پیوست و عاشقانه به حمایت از دستاوردهای این نهضت عظیم برخاست.

شهادت‌هایی که از خود نشان داد باعث شد فرماندهی کازرون را به عهده او بگذارند و با حماسه‌ای که در هویزه پس از یک محاصره از خود نشان داد معروفیت زیادی در جبهه پیدا کرد. او در طول سال‌های دفاع مقدس مردانه جنگید و با پذیرفتن مسئولیت‌های مختلف از جمله فرماندهی عملیات، جانشینی طرح و... عاشقانه به ایران اسلامی خدمت کرد. سرانجام فرمانده ۲۵ ساله سپاه اسلام در تاریخ ۲۶ اسفندماه سال ۱۳۵۹ در محور سوسنگرد شربت شهادت نوشید و با گلولی چاک‌چاک سرود سرخ شکفتن را سر داد پیکر پاکش نیز در گلزار شهدای بهشت‌زهران(س) کازرون به خاک سپرده شد.

شب عملیات
سردار شهید سید محمدجواد دیده‌ور شب عملیات ابتدا غسل کرد و این غسل کردنش نیز حکایتی دارد و آن اینکه جواد شیرینی که اهل قم است، آب گرم کرد تا غسل شهادت نماید، به او می‌گویند که فرمانده دیده‌ور جواد داد و باحالت خنده خطاب به سردار شهید دیده‌ور گفت: هرکس از این آب گرم غسل کند، حتماً شهید می‌شود. شهید پس از غسل بسیار خاضعانه نایبش کرد، نماز صبح به جماعت وی خوانده شد و همه برای عملیات آماده شدند.

جهاد سازندگی که در سال ۵۸ و به‌فرمان رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی(ره) جهت خدمت‌رسانی به نقاط محروم و دورافتاده کشور تأسیس شد، با شروع جنگ علاوه بر اهداف پیشین به نیروی راهبردی برای تدارکات جنگ و حمایت از رزمندگان اسلام نیز تبدیل شد و در مدتی کوتاه با انجام دادن اقدامات مؤثر و تعیین‌کننده، فرماندهان جنگ را وامدار و نیازمند خود کرد و یکی از ارکان ساختار دفاع کشور شد که در پیشبرد جنگ نقش مهمی ایفا کرد.

جهاد در طول هشت سال دفاع مقدس علاوه بر خدمات مهندسی و پشتیبانی کم‌نظیر، شهدای بسیاری نیز تقدیم انقلاب کرد که با توجه به شرایط کاری این قشر که عاشقانه و بدون توجه به آتش دشمن و حتی بدون هیچ سنگر دفاعی به خدمت‌رسانی رزمندگان مشغول بودند، به لقب سنگر سازان بی سنگر مفتخر شدند.

جهاد کازرون هم با تقدیم حدود ۳۰ شهید در از این منظر افتخاری برای شهرستان کازرون است. توجه به نام شهدا این واقعیت را روشن می‌سازد که تمامی این عزیزان به لحاظ توانایی‌های علمی و تخصصی می‌توانستند راه دنیا را انتخاب کرده و رفاه و آسایش خود و خانواده‌هایشان را به نبرد بی‌سنگر ترجیح دهند. کسانی مانند غلام‌عباس فروزنده و یا شهردار اسبق کازرون حاج هدایت‌الله مصلحیان و سید محمدجواد دیده‌ور از جمله این عزیزان هستند که در این مقاله سعی داریم به مناسبت روز جهاد، مختصری به زندگی و بزرگواری‌های سید محمدجواد دیده‌ور که از شهدای شاخص کازرون است اشاره کنیم و با سنجایی اخلاقی و رفتاری این شهید بزرگوار آشنا شویم:

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه:
در سال ۱۳۳۴ در شهرستان کازرون کودکی به نام محمدجواد به دنیا آمد، پدر با شوق فراوان به تربیت اسلامی او همت گماشت و او را در یکی از مدارس ابتدایی

